

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۸۰ - سه شنبه ۹۲/۱/۲۰

تکملة

بیان شد اگر یکی از اطراف علم اجمالی عقلاً یا عملاً خارج از ابتلا باشد، علم اجمالی مؤثر نخواهد بود. مقصود از خروج عقلی یعنی ارتکاب آن طرف ناممکن باشد و مقصود از خروج عملی یعنی در خارج اتفاق نمی‌افتد که فرد مبتلا به ارتکاب آن طرف شود.

مرحوم نائینی رحمته الله در *فوائد الأصول* تکمله‌ای^۱ ذکر کرده‌اند که محقق عراقی رحمته الله و دیگران نیز به آن تکمله توجه کرده‌اند و مناسب است آن تکمله را ذکر کنیم.

این تکمله دارای دو مطلب است:

مطلب اول آن است که اگر چیزی از اطراف علم اجمالی شرعاً غیر مقدور باشد مانند جایی است که تکویناً غیر مقدور است و در نتیجه علم اجمالی منجز نخواهد بود. به عنوان مثال اگر مکلف علم اجمالی به نجاست إناء ملک خود یا نجاست إنائی که ملک دیگری است پیدا کند به نحوی که عادتاً بعید است مکلف به آن إناء ابتلا پیدا کند، مرحوم نائینی معتقد است در این حالت چون مکلف شرعاً بر تصرف در إناء غیر قدرت ندارد، این عدم تصرف به منزله‌ی عدم قدرت تکوینی است و در نتیجه علم اجمالی منجز نخواهد شد؛ به دلیل اینکه اصل عملی در إناء غیر جاری نیست؛ زیرا جریان اصل عملی در آن دارای اثر نیست چون به هر حال تصرف در آن حرام است.

فرضاً اگر قاعده‌ی طهارت در إناء غیر جریان پیدا کند باز هم مکلف نمی‌تواند در آن إناء تصرف کند؛

۱. فوائد الأصول، ج ۴، ص ۶۶.

زیرا غضب است که شرعاً حرام است. به ناچار اصل مؤمن نسبت به إناء ملک خود بدون معارضه با اصل در إناء غیر، جاری خواهد بود و می‌تواند در إناء خودش تصرّف کند.

البته باید توجه داشت به نظر محقق نائینی رحمته الله زمانی اصل عملی در إناء غیر، جاری نیست که ابتلای مکلف به إناء غیر، بعید باشد و إلا اگر بعید نباشد و احتمال عقلایی در ابتلای به آن برود، مثلاً إناء به او هبه شود یا در اختیار او قرار بگیرد یا فروخته به او شود و ...، اصل در آن جاری می‌شود و معقول است و در نتیجه با اصل طرف دیگر معارضه می‌کند و بالجمله تکلیف به اجتناب از این طرف علی تقدیر نجاست در آن، قبیح نیست.

مطلب دوم آن است که اگر احد اطراف علم اجمالی به گونه‌ای باشد که ابتلای فرد به آن بعید باشد هرچند مانع شرعی وجود ندارد، علم اجمالی منجز نیست؛ مثلاً فرد علم دارد یا إناء مقابل او نجس است یا خاک کوچه و خیابان نجس شده است و بعید است که این فرد از خاک کوچه و خیابان برای تیمم یا سجده استفاده کند. در این حالت دو وجه وجود دارد:

وجه اول اینکه این بُعد را مانع از تنجیز ندانیم؛ زیرا احتمال می‌رود این فرد بر خاک کوچه و خیابان تیمم کند و یا بر آن سجده نماید.

وجه دوم اینکه چه بسا همین اندازه از بُعد، در عدم تنجیز و عدم اجرای اصل در خاک کوچه و اجرای اصل در إناء مقابل خود، کافی باشد.

مقرر محترم در *فوائد الأصول* بیان کرده‌اند: محقق نائینی رحمته الله در نهایت به این نتیجه رسیدند که در این موارد نیز از آنجا که تکلیف نسبت به چیزی که بعید است فرد به آن مبتلا شود مستهجن است، چنین خروجی از محلّ ابتلا را موجب عدم تنجیز علم اجمالی دانسته‌اند.

مناقشه‌ی محقق عراقی در کلام محقق نائینی رحمته الله

مرحوم عراقی رحمته الله فرمایشات محقق نائینی رحمته الله را در هر دو بخش مورد نقد قرار داده‌اند.^۱

بخش اول آن بود که مکلف قدرت شرعی بر تصرّف در احد اطراف ندارد و آن طرف در معرض ابتلای او نیست. محقق عراقی رحمته الله معتقد است اگر در معرض نبودن به حدی است که می‌دانیم عملاً اتفاق نمی‌افتد، سخن جدیدی نیست و همان مباحثی است که پیش از این تکمله بیان شد و مصداقی دیگر از

۱. نهاية الافکار، ج ۳، ص ۳۴۸.

کلیات گذشته است. اما اگر چنین حالتی نداشت و امکان ابتلا وجود داشته باشد، صرف حرمت شرعی تصرف، موجب عدم تنجیز علم اجمالی نمی‌گردد؛ زیرا ملاک در منجزیت علم اجمالی، آن است که هر یک از اطراف به گونه‌ای باشد که اگر تفصیلاً علم پیدا می‌شد می‌توانست دارای تکلیف فعلی به اجتناب باشد و در ما نحن فیه واضح است اینانی که ملک دیگری است می‌تواند در صورت علم تفصیلی، متعلق تکلیف فعلی قرار گیرد؛ به این معنا که اگر مکلف علم پیدا کند ایناء زید ملاقات با نجس کرده است چه مانعی وجود دارد از اینکه شارع بگوید «إجتنب عن ایناء زید من حیث النجاسة»، اگرچه إجتنب دیگری نیز از حیث تصرف در ملک غیر دارد.

یک موضوع می‌تواند از جهات مختلف احکام متفاوتی داشته باشد؛ مثلاً اینانی دارای حکم «لاتشرب» و «لاتغصب» باشد و در نتیجه اگر کسی مرتکب غصب شد و آن را نوشید دو گناه مرتکب شده است. به بیان واضح‌تر فرض کنید خمیری ملک کافر ذمی است و اگر مسلمانی آن را بدون اجازه‌ی ذمی بنوشد هم مرتکب غصب شده و هم مرتکب شرب خمر شده است و نیز دارای دو اثر متفاوت است؛ زیرا از حیث غصب ضامن است و نیز مستحق حدّ شرب خمر است، در حالی که اگر یک حکم وجود داشت دو اثر مذکور جاری نبود.

ما نحن فیه نیز این چنین است و طرف علم اجمالی می‌تواند از دو حیث، دو حکم داشته باشد و علی فرض این که تفصیلاً معلوم باشد، می‌تواند فعلی باشد و در نتیجه در فرض علم اجمالی نیز می‌تواند منجز باشد.

در بخش دوم تکمله، محقق نائینی رحمته الله فرمودند خاک کوچه بعید است مورد ابتلای مکلف باشد. محقق عراقی رحمته الله معتقدند در این فرض نیز اگر به گونه‌ای است که عملاً ابتلا رخ نمی‌دهد مصداقی از خروج عملی از محلّ ابتلا است، اما اگر بعد ابتلای مکلف نسبت به تیمّم یا سجود بر خاک کوچه از باب بناء شخصی مکلف بر عدم سجده یا تیمّم بر خاک کوچه است ولی در عین حال احتمال اینکه خلاف تصمیم یا طبعش عمل کند می‌رود، می‌گوییم در چنین جایی اگر علم تفصیلی وجود داشت تکلیف به آن مستهجن نبود و اکنون نیز با علم اجمالی به تکلیف، مانعی از تنجیز آن وجود ندارد و قبیحی وجود ندارد که این علم اجمالی باعث تنجیز گردد، و إلا اگر گفته شود در چنین مواردی که نفس مکلف به حسب طبع از ارتکاب إباء دارد، تکلیفی وجود ندارد، باید در بسیاری از موارد قائل به عدم وجود تکلیف شرعی شوید، مانند اینکه مردم از خوردن بعضی از خبائث إباء دارند و لذا باید گفت خوردن خبائث حرمتی ندارد، در حالی که نمی‌توان به این مطلب ملتزم شد.

مقرر: سید حامد طاهری